

بررسی نقش رفتار دیندارانه بر میزان بروز رفتار شاد در افراد

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۳۰

جمشید صالحی صدقیانی^۱، یاسر سبحانی فرد^۲، وحید فرهمند^۳، مریم اخوان خرازیان^۴

از صفحه ۷۹ تا ۱۰۴

چکیده

پژوهش حاضر در پی روشن کردن این موضوع است که آیا به‌واقع دین، غم و افسردگی را در مقابل شادی به پیروان خود القا می‌کند یا برعکس آن اتفاق می‌افتد یا این‌که رابطه‌ای بین دینی بودن و شاد بودن افراد وجود دارد یا خیر؟ این تحقیق از نوع توسعه‌ای بوده و جامعه آماری برای پاسخ به سؤالات مطرح‌شده در تحقیق، دانشجویان دانشگاه‌ها بوده‌اند. برای این منظور و دستیابی قطعی به این میزان نمونه، تعداد ۲۵۰ پرسش‌نامه برای اخذ نتایج به دانشجویان سپرده شد که از این میزان ۲۴۱ مورد، قابل استفاده بود. برای تأیید روایی این تحقیق مفاهیم ساخته‌شده از ادبیات نظری برای روایی محتوا استفاده شده است و در ادامه برای تکمیل و تقویت روایی مفاهیم یا متغیرهای پنهان، موضوع تحقیق مورد تأیید روایی عاملی با نرم افزار لیزرل (LISREL) قرار گرفته که از این نظر، پاسخ‌های دانشجویان نیز نشان از تأیید عاملی مفاهیم ساخته‌شده تحقیق داشت. همچنین برای سنجش پایایی تحقیق نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که عدد هم‌بستگی مربوطه نشان از پایایی مناسب ابزار پرسش‌نامه در سنجش متغیرهای آشکار پژوهش داشته است. در این پژوهش مشخص شد که ادبیات دینی شیعه و ادبیات رفتارشناسی غربی از نظر مفهوم شادی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. همچنین در این تحقیق مشخص شد که دینداری ارتباط منفی یا مثبتی با رعایت حدود رفتار شادمانه افراد ندارد و افراد در این زمینه مستقل از درجه دینداری‌شان عمل می‌کنند. همچنین وجود رابطه مثبت و البته نسبتاً قوی بین دینداری حقیقی و رفتار شادمانه تأیید شد؛ بنابراین افرادی که از منظر امام اول شیعیان دیندارتر هستند، دارای رفتار شادمانه بیشتری نسبت به سایرین هستند.

کلید واژه‌ها

رفتار شادمانه، دینداری، شیعه، روان‌شناسی.

۱- استاد گروه مدیریت صنعتی دانشگاه علامه طباطبایی

۲- استاد یار گروه مدیریت بازرگانی دانشکده مدیریت دانشگاه علم و صنعت نویسنده مسئول، آدرس پست الکترونیکی: sobhanifard@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق (ع)، آدرس پست الکترونیکی: vahidfarahman@gmail.com

۴- استادیار گروه مدیریت بازرگانی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، آدرس پست الکترونیکی: maryam.akhavan@gmail.com



مقدمه

انسان‌ها از زمان‌های دور در پی راه‌کار برای این مهم بوده‌اند که چگونه می‌توانند بهتر زندگی کنند، چه چیزی بیشتر رضایتشان را فراهم می‌کند و با چه سازوکارهایی می‌توانند از زندگی در این دنیا لذت ببرند (دیکی^۱، ۱۹۹۹). نگاهی به احادیث اسلامی نیز نشان می‌دهد که نشاط و خوشی به کرات مورد توصیه اسلام و منابع دینی قرار گرفته است. درباره اهمیت شور و نشاط و سرور و جایگاه آن در تعالیم دینی، همین بس که یکی از فصول کتاب‌های روایی به باب ادخال السرور اختصاص داده شده و از کسانی که موجبات دلخوشی و شادکامی بندگان خدا را فراهم می‌آورند، ستایش شده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۷۲-۲۷۱).

شادی موهبت بزرگی است که باید آن را جستجو کرد، آن را یافت، غنیمت شمرد و به دیگران نیز منتقل کرد. شادی و نشاط یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در زندگی و پویایی آن است. ایمان قلبی، باورهای استوار دینی، انجام مناسک دینی، دعا و عبادت، حضور در اماکن دینی و انجام فعالیت‌های دینی در راستای داشتن تصویر دوستانه از خداوند (تقرب به ذات اقدس الهی) می‌تواند در شادکامی افراد تأثیر مثبت داشته باشد (پولنر^۲، ۱۹۸۹: ۹۵-۹۴). هم‌چنین بسیاری از مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که از جمله عواملی که می‌تواند در پیش‌گیری و کاهش اختلال‌های روانی و مشکلات ناشی از آن مانند خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر، افسردگی، اضطراب و ایجاد شادی و نشاط در افراد نقش مؤثری داشته باشد، داشتن اعتقادات دینی است (بیانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱۳؛ کرمی، ۱۳۸۵: ۴۵-۳۵).

در زمینه عواملی که می‌توانند موجب شادمانی شده و با آن در ارتباط باشند، می‌توان به نقش دین اشاره کرد. دین می‌تواند در تمامی موقعیت‌ها، نقش مؤثری در استرس‌زدایی داشته باشد و در ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی فرد، فعالیت‌های مقابله، منابع حمایتی و... سبب کاهش گرفتاری روانی شود؛ بر این اساس، مدت‌هاست که تصور می‌شود بین دین و سلامت روان، ارتباط مثبتی وجود دارد و به‌تازگی نیز

1- Dickey

2-pollner

روان‌شناسان دین، حمایت‌های تجربی بسیاری را در این زمینه جلب نموده‌اند (لوین و تیلور^۱، ۱۹۸۹: ۶۹۶).

همان‌طور که دیده می‌شود مطالعات و تحقیقات علمی نشان از رابطه مثبت بین دینداری، دینی بودن و نشاط و شادمانی در زندگی انسان‌ها دارد؛ با این حال تبلیغات اخیر در فضای عمومی خلاف این موضوع را القاء می‌کند. در تبلیغات غیر رسمی این‌گونه بیان می‌شود که افراد دینی افرادی غمگین بوده و بنابراین روحیه خوبی ندارند. این القائات به اندازه‌ای سنگین بوده که بسیاری بر این باورند که متشرعین و متدینین به دین شیعه در ایران به خاطر شرکت در عزاداری‌ها، علاقه‌مند بودن به مرثیه‌ها، افرادی هستند که ذاتاً به دنبال گریه و غم بوده و از هر گونه شادی متنفر هستند. تبلیغ می‌شود که چنین گرایشی در افراد دینی است که موجب شده است تا ایشان روزهای عزاداری را پررنگ‌تر از روزهای میلاد و اعیاد گرامی بدانند و این موضوع نیز به نوبه خود سبب شده است تا روحیه غم بر تمامی مردم ایران سرایت کند و مردم ایران نیز از نظر روحی افرادی افسرده شده‌اند.

از آن‌جا که این صحبت‌ها و ادعاها همگی غیر رسمی بوده و هیچ مبنای دقیق علمی ندارند، این تحقیق در پی روشن کردن این موضوع است که آیا به‌واقع دین (از منظر شیعه) غم و افسردگی را در مقابل شادی به پیروان خود القا می‌کند و این که رابطه بین دینی بودن و شاد بودن افراد چگونه است؟ فایده این تحقیق و پاسخ دادن به این سؤالات این خواهد بود که با انجام این پژوهش چنین تبلیغات غیر رسمی مورد آزمون قرار گرفته و شبهاتی هم که در این زمینه وجود دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با این مقدمه سؤالات این تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- آیا بین نگرش دین (مذهب شیعه) و ادبیات علمی در زمینه شادی تفاوت وجود دارد؟
- ۲- آیا افراد متمایل به دین در زمینه شادی بر اساس دستورات دین شیعه عمل می‌کنند؟
- ۳- آیا بین میزان دینی بودن و میزان شاد بودن افراد رابطه مثبتی وجود دارد؟



در این بخش ابتدا به بررسی شادی انسان‌ها از منظر منابع دینی شیعه و ادبیات علمی پرداخته شده است و در نهایت سعی می‌شود تا ضمن پاسخ‌گویی به سؤال اول تحقیق، شاخصی برای اندازه‌گیری شادی معرفی شود. هم‌چنین با مرور ادبیات دینی سعی می‌شود، برای تشخیص این‌که چه کسی یک انسان معتقد به دین شیعه می‌باشد، شاخصی استخراج و معرفی شود. این شاخص‌ها در نهایت در قسمت تحلیل داده‌ها برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

شادی در ادبیات دینی (از منظر تشیع): منابع مورد استفاده در تحقیقات دینی بسیار گسترده می‌باشند؛ با این حال، با جستجو در ادبیات دینی مورد استفاده در دین شیعه آیات و احادیث زیر را می‌توان در این رابطه مورد اشاره قرار داد.

از پیامبر اسلام در این زمینه این چنین نقل شده است: «ورزش و بازی کنید و تفریح داشته باشید، همانا من ناراحت‌م که در دین شما خستگی و بی‌نشاطی دیده شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۳۶۰).

هم‌چنین جعفر بن محمد، پیشوای ششم شیعیان «تبسم و لبخند انسان به چهره برادر دینی‌اش» را حسنه دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۷۱) و در پاسخ به سؤال یکی از اصحاب درباره حسن خلق می‌فرماید: «فروتنی کن، خوش سخن باش و با برادرت با خوش‌رویی برخورد نما» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۷۱).

موسی بن جعفر پیشوای هفتم شیعیان در سخنی، فرصتی را در ساعات شبانه روز برای بهره‌گیری از سرور و شادمانی و تفریح سالم پیشنهاد نموده‌اند و چنین اشاره می‌کنند: «کوشش کنید اوقات شما در روز چهار بخش باشد: قسمتی برای عبادت و خلوت با خدا، بخشی برای تأمین معاش، مقداری برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌های تان آگاه ساخته و در باطن به شما خلوص و صفا دارند و قسمتی نیز به تفریح و لذت‌های خود اختصاص دهید و با مسرت و شادی آن، نیروی انجام وظایف اوقات دیگر را تأمین کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۳۲۲).

حدیث فوق نشان می‌دهد که از نظر شیعیان و حداقل از نظر زمانی، شادی یک چهارم کل اهمیت را دارد؛ چراکه بنابر گفته این حدیث یک چهارم زمان زندگی باید به شادی اختصاص یابد.

معنی خاص شادی از منظر شیعه / تفاوت با سایر مکاتب فکری

الف- خنده و تبسم: در احادیث شیعه یک معنی از شادی مورد اشاره قرار گرفته که ممکن است از نظر دیگر مکاتب این نکته مورد نظر قرار نگرفته باشد. در این احادیث شوخی و خنده بیش از اندازه مورد تأیید قرار نگرفته است؛ ذکر این نکته از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است وقتی از دید ناظر بیرونی، دینداران (معتقدان به مذهب شیعه) غیر شادمان معرفی می‌شوند، شاید علت این نگرش در این باشد که از نظر دینداران (معتقدان به مذهب شیعه) شوخی و خنده بسیار خوب نباشد و آنها شادی را غیر از این می‌دانند. به عبارتی علت اختلاف نظر در این زمینه در این نکته باشد. با کندو کاوی در کتب مورد قبول شیعه، در بسیاری از احادیث، خنده و شوخی را نشانه جاهلان و کم‌خردان (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۴۸۸-۴۸۷) شمرده‌اند و بدتر از آن، هلاک‌کننده انسان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۶۱) و ویرانگر قلب (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۱۲۵) - به عنوان رهبر احساسات و عشق انسانی - معرفی کرده‌اند.

گستره این باور به‌گونه‌ای است که خنده در صحنه‌هایی حکم فقهی خاصی یافته است. رسول خدا(ص) و امام صادق(ع) نکوهش بیشتری نسبت به آن در بین قبور و قبرستان کرده‌اند و انجام آن را در عباداتی چون نماز، موجب کاستی قداست و ارزش این عبادت و حتی باطل‌کننده نماز شمرده‌اند. آثاری این چنین درباره خنده، زمینه‌ساز سفارش‌هایی چند درباره این صفت گردیده است؛ از این‌رو، همواره به کمی آن توصیه کرده‌اند، تا از جلوه‌های زشت اجتماعی یعنی ناراحتی هم‌نشینان و اندوه اندیشمندان مجلس دوری شود، شخصیت انسان در تمامی عرصه‌ها حفظ گردد و در عرصه‌های معنوی، سفارش به ادای کفاره پس از خنده شده است، تا پیامدهای ناشایست روحی آن برطرف یا کاسته شود؛ از این‌رو، توصیه کرده‌اند که بعد از خنده بگوییم: «پروردگارا مرا کم‌خرد و بی‌تدبیر مگردان» (ابن بابویه، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۷۷).

از آن سو سفارش‌های فراوانی نسبت به جایگزینی «تبسم» به جای خنده شده است، تا آثار زیان‌بار و منفی خنده به برکات پسندیده و ارزشمند تبدیل شود.



بهترین خنده، تبسم معرفی شده است، تا به کمترین میزان قناعت شده، تمامی لحظه‌های زندگی دستخوش لذت‌های زودگذر و ناپایدار نشود. رسول خدا(ص) سفیر راستین خداوند و الگوی تمام عیار انسان‌ها در امروز و هر روز، شخصیتی عرشی معرفی شده که خنده او همیشه تبسم بوده و افزون بر آن از چهره‌ای باز و گشوده بهره داشته، «کثیر التبسم» بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۳۴۱).

در اهمیت تفاوت خنده و تبسم در فقه شیعه همین بس که به هنگام ارزیابی آلودگی به گناه، تبسم برای تمسخر مؤمن، گناه صغیره معرفی، ولی خنده گناه کبیره دانسته شده است و در نگاه فقیهان، تبسم، قطع‌کننده نماز و مایه بی‌ارزشی این عبادت بزرگ نخواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۱۲۹).

ب- شوخی^۱: شوخی، موضوع دیگری است که در آینه آسمانی معارف از زوایای مختلفی بدان نگرسته شده است؛ نگاه نخست، نگاهی ناپسند و مذموم است، به طوری که با صراحت تمام رسول اکرم(ص) امیرمؤمنان علی(ع) را خطاب قرار داده، فرموده است: «علی جان! هیچ‌گاه شوخی مکن؛ زیرا آبرو - و ارزش و عظمت تو - زایل می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷: ۴۸) و در گفتار دیگری فرمود: «هیچ بنده‌ای، ایمانی صریح - شفاف و روشن - به دست نمی‌آورد، مگر آنکه شوخی و دروغ را رها کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷: ۴۵۶).

امام علی(ع) نیز درباره شوخی فرموده است: «شوخی زمینه‌ساز کینه‌توزی است؛ هیچ‌کس شوخی نکرد مگر آن که شوخی، او را از عقل و خرد می‌اندازد. کسی که شوخی کند به وسیله آن خوار و زبون خواهد شد؛ آفت شخصیت و هیبت آدمی شوخی است. برای هر چیزی بذری است و بذر دشمنی شوخی است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷: ۱۴۲).

در عبارات دیگر معصومان(ع) شوخی موجب از بین رفتن نور ایمان، کم‌رنگ شدن مروت و مردانگی، نوعی ناسزا و فحش کوچک، محو سازنده مهابت مردان، ایجاد‌کننده جرأت در دیگران برای رویارویی با انسان و نشان بی‌محبتی شمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷: ۴۷).

ج- شیرین سخنی^۱: در منابع شیعی با این که شوخی مورد نکوهش قرار گرفته، اما شیرین سخنی مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق(ع) رو به یونس شیبانی، از اصحاب خود کرده، فرمود: شیرین سخنی شما اصحاب با یکدیگر چقدر است؟ او گفت: اندک. امام فرمود: «این گونه نباشید. به درستی که شیرین سخنی از حسن خلق است. همانا بدین وسیله شادی و سرور در قلب برادر خود داخل می‌کنید. همان گونه که رسول خدا(ص) اهل شیرین سخنی بود، تا سرور و شادی در قلب اصحاب وارد کند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۸۴).

علاوه بر گفتار و رفتار شیرین و دلنشین این اسوه‌های آسمانی، سخنان ارزشمندی در این مرحله از معصومان(ع) به چشم می‌خورد که چون با دیدگاه‌های نخست مقایسه شود، شگفتی و تعجب آدمی را دوچندان می‌کند؛ به‌طور مثال «خرسندسازی صالحان» یا «ادخال سرور در قلوب مؤمنان»، محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند دانسته شده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۷۲-۲۷۱).

در صحیفه‌ای دیگر از مجموعه سخنان معصومان(ع) شیرین سخنی دین‌باوران و خداجویان «عبادت» و خنده آنان «تسبیح الهی» بیان گردیده و برای کسی که مسلمانی را شادمان سازد، پاداشی چشمگیر عنوان شده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۸۷).

در ادامه به بررسی ادبیات علمی در زمینه شادی پرداخته می‌شود تا این موضوع بررسی شود که آیا مفهوم شادی از منظر ادبیات شیعه با ادبیات علم تجربی تفاوت دارد یا خیر؟

د- شادی از منظر ادبیات رفتارشناسی و روان‌شناسی: روان‌شناسی مثبت، خواهان تغییر و حرکت به سوی بهینه کردن کیفیت زندگی است (سلیگمن^۲، ۲۰۰۲: ۲۰۱). این جنبش در پی آن است که از نقاط قوت انسان‌ها به‌عنوان سپری در برابر بیماری روانی بهره‌گیری (جوکار و رحیمی، ۱۳۸۶: ۸۴). از بنیادی‌ترین مفاهیم مطرح در این جنبش، مفهوم شادی است (گورساج^۳، ۱۹۸۸: ۲۰۹). شادی در لغت به معنی: شادمانی، بهج، بهجت، استبهاج، بشاشت، مسرت، نشاط، طرب، ارتیاح، وجه، انبساط، سرور، فرح و سراء آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲). شادی، ارزیابی شناختی و هیجانی فرد از زندگی خویش



است (دمیر و ازدمیر^۱، ۲۰۱۰: ۲۴۴). شادی را می‌توان به معنای لذت، رضایت از زندگی، خلق مثبت یا کارآمدی در زندگی تعریف کرد (دینر و داینر^۲، ۱۹۹۵: ۸۵۴). شادی و نشاط در قرآن کریم با الفاظی هم‌چون: فرح، فرحوا، تفرح، تفرحوا، تفرحون، یفرح، فرحون و فرحین آمده است. فرح مخالف حزن و اندوه و معادل سرور است و سرور محصول اندیشه و تفکر انسان بوده و هیچ صفت ناپسندی به دنبال نخواهد داشت (لقمانی، ۱۳۸۶: ۲۰). شادی برای یک انسان سالم یک قاعده است. در پرتو شادی است که انسان می‌تواند خویش را بسازد و خود را برای آینده کاری و افرادی موفق در محیط زندگی و اجتماع آماده کند (زارعی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵). شادمانی که هدف مشترک افراد است و همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، عبارت است از: «ارزش‌یابی افراد از خود و از زندگی‌شان (باس^۳، ۲۰۰۰: ۲۵). ماتلین و گارون (۱۹۷۹)، هم‌چنین آرچیل، مارتین و لو (۱۹۹۵)، شادکامی را هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجان منفی، از جمله افسردگی و اضطراب می‌دانند. آنها روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصیت و دوست داشتن دیگران را بخشی از شادکامی دانستند و نشان دادند افراد به دلیل ارزیابی مثبت از رویدادها شادتر هستند.

مقایسه مفهوم شادی در ادبیات دینی شیعه با رفتارشناسی غرب: همان‌طور که از نظر گذشت، مرور ادبیات رفتارشناسی و روان‌شناسی در زمینه شادی نشان می‌دهد که بین برداشت ادبیات شیعه و ادبیات روان‌شناسی عمدتاً گرفته‌شده از فرهنگ غرب تفاوت‌هایی وجود دارد، در حالی که در ادبیات علم تجربی گرفته‌شده از فرهنگ غرب، هر گونه هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجان منفی مانند افسردگی به عنوان شاخص‌های شادی پذیرفته شده‌اند، در ادبیات شیعه با این‌که این امور ممکن است به‌عنوان نشانه‌های شادی شناخته شوند، ولی اصول اخلاقی برای محدود کردن شادی ایجاد شده است. به عبارتی به علت ماهیت دینی دین شیعه در مورد شاخص‌های شادی عبارات خوب و بد و باید و نباید به‌کار رفته و شادی سوای از شاخص‌های آن به صورت گزینشی مورد توصیه یا تحدید قرار گرفته است.

1 -Demir & Ozdemir

2 -Diener and Diner

3- Buss



نتایج بررسی صورت گرفته در این تحقیق که نمونه‌های آن در بالا مورد اشاره قرار گرفت، می‌تواند پاسخ سؤال شماره ۱ تحقیق را بدهد. در پاسخ به این سؤال باید گفت که بین نگرش دین شیعه و ادبیات علمی در زمینه شادی تفاوت وجود دارد. ادبیات نشان می‌دهد که این تفاوت نگرش، عمدتاً حالت اخلاقی و باید و نباید دارد، در حالی که ادبیات علم تجربی هیچ محدودیتی برای شادی قائل نیست. در ادبیات شیعه شادی‌هایی که شامل خنده بسیار و شوخی باشد، ناپسند و مردود شمرده خواهد شد.

با این اوصاف در صورتی که بخواهیم شادی را در میان افراد مختلف اندازه‌گیری کنیم، می‌توان شاخص‌های بدون محدودیت علم تجربی گرفته‌شده از فرهنگ غرب را ملاک قرار داده و هنگام اندازه‌گیری از منظر اسلامی شاخص‌های محدود کننده را به‌عنوان تبصره بر آن الحاق نمود.

اندازه‌گیری میزان شاد بودن افراد: در این پژوهش برای اندازه‌گیری میزان شاد بودن افراد از مقیاس^۱ SHS که توسط لیبومیرسکی و لپر (۱۹۹۹) ایجاد شده، استفاده شده است. این مقیاس برای اندازه‌گیری شادی از طریق معیارهای درون ذهنی افراد ایجاد شده است. مقیاس اندازه‌گیری هر سؤال به صورت طیف هفت‌تایی از ۱ تا عدد ۷ بوده است. برای اندازه‌گیری نمرات شادی افراد از میانگین نمره‌ای که فرد در این ۴ سؤال به دست آورده، استفاده شده است؛ بنابراین اگر فرد نمره ۷ را به دست آورد، در حد نهایت شادمانی و اگر نمره ۱ را به دست آورد در حد نهایت غمگین بودن قرار دارد. این مقیاس در سال‌های بعد نیز توسط بسیاری از پژوهشگران مورد استفاده قرار گرفته است (Leslie, 2012).

سؤال‌های این پرسش‌نامه عبارت است از:

- من خود را انسان شادی می‌دانم.
- من در مقایسه با افرادی با جایگاه خود فردی شاد به حساب می‌آیم.



- بسیاری از مردم بدون توجه به این که در آینده برای آنها چه پیش خواهد آمد، همواره احساس خوشحالی می‌کنند. شما تا چه حد خود را چنین انسانی می‌دانید؟
- برخی از مردم عموماً خوشحال نیستند. با این که نمی‌توان آنها را افسرده نامید، اما کمتر احساس خوشحالی دارند. شما تا چه حد چنین انسانی هستید؟
- هم‌چنین برای مشخص ساختن این که فرد نگرش اسلامی در مورد شاد بودن را رعایت می‌کند یا خیر، میزان موافقت افراد با جملات زیر مورد پرسش قرار گرفته است:
- از نظر من خنده نشانه شادی است؛ افراد هر چقدر بیشتر و بلندتر بخندند، پس شادتر هستند.
- شوخ‌طبعی افراد یکی از نشانه‌های شادی است؛ افرادی که با دیگران شوخی می‌کنند، افراد شادتری هستند.
- خنده خوب نیست و تنها باید در هنگام شادی به لبخند بسنده کرد.

معنای دیندار بودن در منابع علمی غربی: با مروری بر منابع غربی و نگرش علم تجربی گرفته‌شده از فرهنگ غرب مشخص می‌شود که در این منابع دین، بیشتر به صورت یک امر فردی و درونی پذیرفته شده و منظور از دیندار بودن، دیندار بودن به هر دینی اعم از اسلام، مسیحیت و غیره با این شرط و تعریف می‌باشد؛ به عنوان مثال گوردون و سونگ (۱۹۹۴) در این زمینه بیان می‌دارند که در مقابله دینی از منابع دینی مثل دعا، نیایش، توکل و توسل به خداوند و... استفاده می‌شود. یافته‌های اخیر نشان می‌دهند از آن جا که این نوع مقابله‌ها هم منبع حمایت عاطفی و هم وسیله‌ای برای تفسیر مثبت حوادث زندگی هستند، می‌توانند مقابله‌های بعدی را تسهیل نمایند؛ بنابراین به کارگیری آنها برای اکثر افراد، موجب تقویت سلامت روانی می‌شود (گوردون و سانگ^۱، ۱۹۹۴: ۳۰۱).

روانشناسی بهداشت، در سال‌های اخیر اهمیت زیادی برای نقش راهبردهای دینی و سبک زندگی افراد در چگونگی وضعیت سلامت جسمانی و روانی آنها در نظر گرفته

است. شیوه‌های مقابله دینی با مسایل، توانایی‌های شناختی و رفتاری هستند که فرد مضطرب به‌منظور کنترل نیازهای خاص درونی و بیرونی فشارزا به‌کار می‌گیرد (کینگ و همکاران^۱، ۱۹۹۷: ۴۴۱). هم‌چنان که کشورها فرایند توسعه را پشت سر می‌گذارند، به سمت مجموعه اهداف مشترکی سوق می‌یابند (هیلز و آرگیل^۲، ۲۰۰۲: ۷۶). اینگلههارت و بیکر (۲۰۰۰) دریافتند که اگرچه توسعه، کشورها را به سمت و سویی مشابه هدایت می‌کند، اما میراث دینی و فرهنگی، ارزش‌های یگانه و منحصر به فردی را برای کشورها معین می‌سازد؛ بدین دلیل، دین عامل کلیدی در تعیین ارزش‌ها و سطح شادی در هر کشوری به‌شمار می‌آید (اینگلههارت و بیکر^۳، ۲۰۰۰: ۳۶). دین به‌صورت تاریخی پایه‌گذار اصلی ارزش یک ملت بوده است و قابل توجه است که در زمان توسعه یک کشور، اهمیت آن کاسته نمی‌شود. افراد به‌صورت استواری به حفظ عقاید دینی خود به‌عنوان عامل تعیین‌کننده ارزش‌ها و رضایت از زندگی‌شان ادامه می‌دهند (موکری و برون^۴، ۲۰۰۵: ۷۸).

نشانه‌های دینداری در اسلام، از منظر عرف و حقیقت دین: در زمینه تشخیص نشانه‌های دینداری و نسبت دادن دیندار به افراد، دو روش را می‌توان مورد استفاده قرار داد؛ اولین روش این است که دیندار بودن یا غیر دینی بودن افراد را از عرف جامعه مورد ارزیابی قرار داد. این روش از این جهت که سؤال‌ها و فرضیه‌های این تحقیق را به صورت واقع‌گرایانه مورد بررسی قرار دهد، می‌تواند مفید باشد؛ یعنی در صورتی که فردی از نظر افراد جامعه دیندار به حساب آید و همان فرد غمگین به حساب آید، نگاه می‌توان این واقعیت را که مردم دینداران را غمگین می‌دانند یا خیر استنباط نمود؛ اما در صورتی که بخواهیم حقیقت دین و حقیقت دینداری را مورد بررسی قرار دهیم در زمینه دینداری و شاخص‌های آن باید از خود دین شاخص‌ها را استخراج نمود و میزان شاد بودن یا شاد نبودن افراد را نیز از خود آنها پرسید. نگرش دوم به دلیل حقیقت‌گرایانه بودن و کشف این‌که واقعا خود دین (نه آنچه به درست یا غلط از دین استنباط می‌شود) در درون افراد ایجاد شادی می‌کند یا خیر، مورد استفاده قرار گرفته است.

1- King & etc

2- Hills & Argyle

3 -Inglehart & Baker

4 -Mookerjee & Beron



در زمینه شاخص‌های دینداری ممکن است احادیث فراوانی وجود داشته باشد؛ اما برای این موضوع از حدیث علی بن ابیطالب امام اول شیعیان استفاده شده است. در این زمینه ایشان چنین بیان می‌دارند که: «إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عِلْمَاتٍ يَعْرِفُونَ بِهَا: صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ إِدَاءَ الْإِمَانَةِ وَ صَلَةَ الرَّحِمِ وَ رَحْمَةَ الضَّعْفَاءِ وَ حَسْنَ الْخَلْقِ وَ سَعَةَ الْحِلْمِ وَ مَا يَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴: ۲۸۹؛ ابن بابویه، ۱۳۴۹: ۲۲۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۳۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۱۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۰).

در این حدیث، امام اول شیعیان صفات مؤمنین و دینداران را به صورت زیر بیان می‌کند:

۱- اولین نشانه هر دینداری، راست‌گویی و صداقت اوست. انسان دیندار در هر حالی رعایت صداقت را می‌کند؛

۲- مورد دوم که امام اول شیعیان بیان می‌کند، امانتداری است؛

۳- مورد دیگر که در حدیث به آن اشاره شده است، «صله ارحام» است؛

۴- در ادامه حدیث نقل می‌شود که آدم دیندار این‌طور است که: «رَحْمَةُ الضَّعْفَاءِ». نسبت به ضعیف‌ها رحیم است. آدم دیندار نسبت به ضعیفان و از کار افتادگان و کسانی که توانایی ندارند، رحمت دارد؛

۵- خوش اخلاقی لازمه دینداری است. حضرت علی(ع) در این حدیث یک ویژگی دیندار را «حسن الخلق» بیان می‌کنند. آدم دیندار نمی‌شود که بدخلق باشد. باید خوش اخلاق بود؛

۶- مورد آخر که حضرت امیر(ع) به عنوان علامت دیندار می‌فرماید: «مَا يَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ». این که شخص مرتب دنبال کاری است که او را به خدا نزدیک می‌کند. مرتب دنبال کار خیر است. در هر کار خیری حضور پیدا می‌کند؛ پیش قدم است؛ آدم دیندار می‌بایست این علائم که در حدیث ذکر شده را رعایت کند.

اثر دینداری بر سطح شادی افراد: بررسی ادبیات موجود در زمینه اثر دینداری بر شادمان بودن افراد نشان از این دارد که این ادبیات اثر مثبت دینداری را بر سطح شادی افراد مورد تأیید قرار می‌دهند.

از نظر فردی و شخصی، انسان در سایه ایمان به خدا و به کار بستن مقررات دینی احساس آرامش و امنیتی می‌کند که در واقع آن را اکثر روان‌شناسان تأیید کرده‌اند (عباسی اول، ۱۳۸۹: ۱۰). نیرومندترین عاملی که می‌تواند هر گونه اضطراب و نابه‌سامانی را به آرامش و اطمینان تبدیل کند، ایمان به پروردگار است (عباسی اول، ۱۳۸۹: ۱۱). رفتارها و عقاید دینی، تأثیر مثبتی در معنادار کردن زندگی دارند. رفتارهایی از قبیل توکل به خداوند، عبادت، زیارت و... می‌توانند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی فرد شوند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی و... همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد دینی با دارا بودن آنها می‌توانند در رویارویی با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند (یانگ و مائو^۱، ۲۰۰۷: ۱۰۰۳). اعتقادات دینی علاوه بر تأثیر بر بهداشت روان، بر شادی و نشاط نیز مؤثر است (الیسون^۲، ۱۹۹۱: ۴۶؛ پولنر^۳، ۱۹۸۹: ۹۶).

با توجه به این جستارها می‌توان فرضیه مربوط به سؤال سوم را که سؤال نهایی تحقیق می‌باشد را در همین جا به صورت تأیید این رابطه مثبت مطرح نمود که البته آزمون این فرضیه در قسمت تحلیل داده‌ها صورت خواهد گرفت.

فرضیه‌های تحقیق

مرور ادبیات پژوهش علاوه بر این که پاسخ سؤال اول تحقیق را مشخص نمود، به گونه‌ای فرضیه‌هایی را برای سؤال‌های دوم و سوم تحقیق به دست داد. این فرضیه‌ها عبارتند از: فرضیه برای سؤال دوم: افراد متمایل به دین در زمینه شادی بر اساس دستورات دین شیعه عمل می‌کنند.

فرضیه برای سؤال سوم: بین میزان دینی بودن و میزان شاد بودن افراد رابطه مثبتی وجود دارد.

1- Yang and Mao

2- Ellison

3- pollner



روش‌شناسی تحقیق

از آن‌جاکه این پژوهش در پی بررسی رابطه دینداری و شادمانی بین گروه سنی دانشجویان می‌باشد، به‌نوعی می‌توان پژوهش را از نوع توسعه‌ای دانست که در پی روشن نمودن روابط بین مفاهیمی می‌باشد که تاکنون تحقیقی در مورد آن صورت نگرفته است. جامعه آماری برای پاسخ به سؤال‌های مطرح شده در تحقیق، دانشجویان دانشگاه‌ها بوده‌اند. از آن‌جاکه تعداد این دانشجویان بیش از ۱۰ هزار نفر می‌باشد، جامعه نامحدود فرض شده و با توجه به فرمول کوکران برای جامعه نامحدود، اخذ ۱۷۱ نمونه به شرط همگون بودن ویژگی‌های جامعه از نظر متغیرهای تحقیق کفایت می‌کند. برای این منظور و دستیابی قطعی به این تعداد نمونه، به میزان ۲۵۰ پرسش‌نامه برای اخذ نتایج به دانشجویان سپرده شد که از این میزان ۲۴۱ مورد قابل استفاده بود.

جهت تأیید روایی این تحقیق مفاهیم ساخته شده از ادبیات نظری برای روایی محتوا استفاده شده و در ادامه جهت تکمیل و تقویت روایی مفاهیم یا متغیرهای پنهان، موضوع تحقیق مورد تأیید روایی عاملی با نرم‌افزار لیزرل (LISREL) قرار گرفته که از این نظر پاسخ‌های دانشجویان نیز نشان از تأیید عاملی مفاهیم ساخته شده تحقیق داشت.

هم‌چنین جهت سنجش پایایی تحقیق نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که عدد هم‌بستگی مربوطه به میزان ۰/۷۰۳ / به‌دست آمد که نشان از پایایی مناسب ابزار پرسش‌نامه در سنجش متغیرهای آشکار تحقیق داشت.

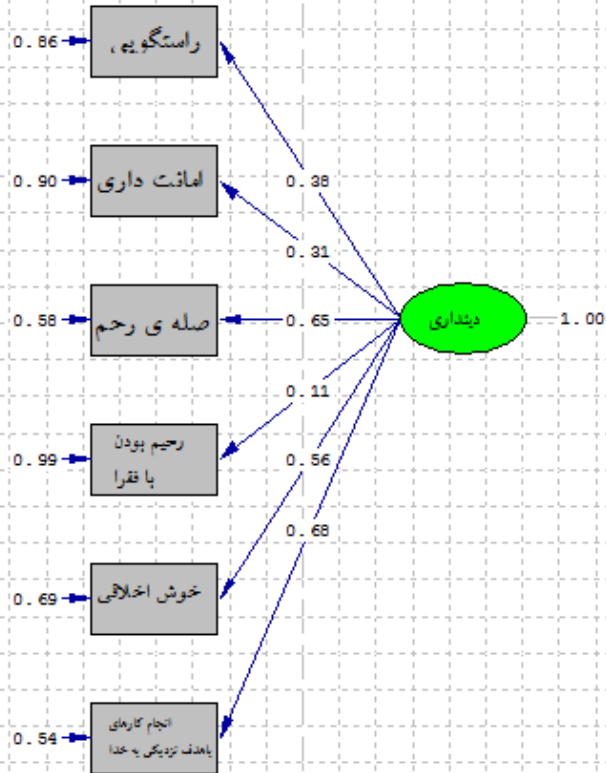
در ادامه با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری سؤال اصلی تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها

همان‌طور که اشاره شد پاسخ به سؤال اول تحقیق با جستجو در ادبیات تحقیق یعنی منابع دینی شیعه و منابع علمی مربوط به شادمانی صورت گرفت و بنابراین پاسخ به این سؤال نیازی به داده عددی و آماری نداشت؛ با این حال از آن‌جا که پاسخ به سؤال‌های دوم و سوم نیازمند تحقیق میدانی از جامعه آماری بود، در این بخش به تحلیل داده‌ها جهت پاسخ‌دهی به این سؤال‌های پرداخته می‌شود.

سؤال دوم تحقیق: آیا افراد متمایل به دین در زمینه شادی بر اساس دستورات دینی عمل می‌کنند؟

برای پاسخ به این سؤال قبل از هر چیزی لازم است تا شاخص تمایل افراد به دین مورد شناسایی و تأیید قرار گرفته و سپس دستورات دینی نیز در زمینه چگونه شادی کردن، مورد بررسی قرار گیرد. همان‌طور که در ادبیات تحقیق نیز مورد اشاره قرار گرفت، برای تعیین این که یک فرد تا چه اندازه دیندار است از حدیث امام علی(ع) با شش شاخص استفاده شد. با این که وجود این حدیث مستند به منابع از سوی امام علی، تأیید چنین مفهومی را از نظر دینداران(معتقدان به مذهب شیعه) به کفایت می‌رساند، با این حال این تحقیق با توجه به پاسخ‌های نمونه‌های آمار نیز هم جهت بودن این شاخص‌ها به سمت یک مفهوم مشترک را مورد بررسی قرار داد. با تأیید عاملی این موضوع می‌توان چنین نتیجه گرفت که شاخص‌های معرفی شده توسط حضرت علی(ع) در این جامعه آماری نیز سرایت داشته و افراد با توجه به این شاخص‌ها جهت‌گیری دینی(از بی‌دین تا دیندار با درجه بالا) را دارند. نمودار ۱ تحلیل عاملی مربوط به این موضوع را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این نمودار دیده می‌شود، شاخص‌های ۶ گانه معرفی شده از سوی حضرت علی(ع) با توجه به پاسخ‌های ارائه شده توسط دانشجویان نیز در حال سنجش یک مفهوم مشترک می‌باشند که از سوی ما به عنوان دینداری تعبیر می‌شود. شاخص‌های برازش ارائه شده در زیر این نمودار حکایت از قابلیت تعمیم این مدل، هم‌چنین درست بودن این مدل دارد. شاخص p -value در این نمودار تقریباً ۱ درصد می‌باشد. این نشان می‌دهد که ادعای تعمیم این مدل تا سطح ۹۸ درصد کاملاً قابل تأیید و تقریباً با ۹۹ درصد اطمینان نیز قابل تأیید است. هم‌چنین به خاطر این که مقدار RMSEA محاسبه شده نیز کمتر از ۰/۱ است (سبحانی فرد و اخوان خرازیان، ۱۳۹۱)، می‌توان گفت که این مدل از دینداری با این ۶ شاخص به‌درستی در حال تبیین مفهوم مشترکی به نام دینداری می‌باشد.



Chi-Square=27.68, df=9, P-value=0.00108, RMSEA=0.092

نمودار ۱- تحلیل عاملی شاخص‌های دینداری از طریق اعداد مدل استاندارد

با تأیید شاخص‌های شش‌گانه بالا مشخص می‌شود که دینداری را می‌توان با این شاخص‌ها سنجید و حال از آن‌جا که قرار است رابطه دینداری افراد با شاخص‌های شادمانی از نظر دینی سنجیده شود، لازم بود تا شاخص‌های شادمانی از نظر دینی مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا و در قسمت ادبیات تحقیق مشخص شد که دین اسلام یا دیدگاه شیعه با تعریف شادمانی معمول تفاوتی نداشته و تنها در سه شاخصه برای آن محدودیت قائل است. حال اگر تحقیق بتواند میزان رابطه دینداری را با این سه شاخص مورد بررسی قرار دهد، می‌توان به این سؤال تحقیق پاسخ گفت.

در ادامه برای این منظور تک تک شاخص‌های شش‌گانه دینداری رابطه‌شان با شاخص‌های سه‌گانه محدودیت‌زا برای شادمانی مورد سنجش قرار گرفت. برای این منظور از آن‌جا که هر دوی این شاخص‌ها با مقیاس رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند، از هم‌بستگی گاما استفاده شده است. جداول ۱ تا ۳ هم‌بستگی‌های گامای به‌دست آمده بین شاخص‌های شش‌گانه دینداری و شاخص‌های سه‌گانه محدودیت‌زا در متون دینی در زمینه ابزار شادمانی را نشان می‌دهد. در صورتی که هم‌بستگی بین این شاخص‌ها مثبت و قابل تأیید باشد، می‌توان گفت که افراد هر چقدر شاخص مورد نظر دینداری را بیشتر داشته باشند، به این محدودیت‌ها نیز بیشتر پایبند بوده و بنابراین دینداران بر اساس شاخص‌های دینی نیز شادمانی خود را بروز می‌دهند. با توجه به تمامی آزمون‌های صورت‌گرفته مشخص می‌شود که در اکثر قریب به اتفاق، روابط دوگانه بین متغیرهای دینداری و متغیرهای محدودیت‌زای دینی در زمینه ابزار شادمانی وجود ندارد. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که دیندارتر بودن یا کمتر دیندار بودن هیچ اثری در پذیرش محدودیت‌های حدیثی شیعه در زمینه ابزار شادمانی ندارد؛ یعنی به‌عنوان مثال هر چقدر یک فرد شاخص‌های دینداری را داشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که از این محدودیت‌ها نیز خبر داشته باشد و آنها را در رفتار خود بروز دهد.

بنابراین پاسخ به سؤال دوم تحقیق مثبت نیست و البته منفی هم نیست؛ چون ارتباطی بین دینداری از یک سو و جلف دانستن شوخی، شوخی نکردن و با صدای بلند نخندیدن وجود ندارد و افراد در هر سطحی از دینداری ممکن است دارای این صفات باشند یا نباشند.

جدول (۱): رابطه شاخص‌های دینداری با جلف دانستن شوخی

جلف دانستن شوخی		ارزش هم‌بستگی گاما	خطای استاندارد	عدد معناداری	نوع رابطه	قابلیت تعمیم با ۹۵ درصد اعتماد
راست‌گویی	Gamma	-۰/۱۵۵	۰/۰۶۵	۰/۰۱۷	عدم رابطه	تأیید رد
امانت‌داری		۰/۲۳۶	۰/۰۶۵	۰/۵۷۹	عدم رابطه	تأیید
صله رحم		-۰/۰۲۶	۰/۰۲۲	۰/۶۷۵	عدم رابطه	تأیید
رحیم بودن نسبت به ضعفا		۰/۲۱۵	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	عدم رابطه	تأیید
خوش اخلاقی		-۰/۱۶۸	۰/۰۲۳	۰/۰۰۸	عدم رابطه	تأیید
انجام کارها با هدف نزدیکی به خدا		-۰/۰۰۵	۰/۰۱۵	۰/۹۳۷	عدم رابطه	تأیید



جدول (۲): رابطه شاخص‌های دینداری با اهل شوخی بودن

اهل شوخی بودن	ارزش هم‌بستگی گاما	خطای استاندارد	عدد معناداری	نوع رابطه	قابلیت تعمیم با ۹۵ درصد اعتماد
راستگویی	Gamma ۰/۰۲۶	۰/۰۵۸	۰/۰۵۰	عدم رابطه	تأیید
امانت‌داری	۰/۱۲۲	۰/۰۵۸	۰/۰۳۷	عدم رابطه	تأیید
صله رحم	۰/۱۴۹	۰/۰۶۲	۰/۰۱۶	عدم رابطه	تأیید
رحیم بودن نسبت به ضعفا	۰/۰۹۱	۰/۰۵۹	۰/۰۲۳	عدم رابطه	تأیید
خوش اخلاقی	۰/۰۳۷	۰/۰۵۹	۰/۰۳۱	عدم رابطه	تأیید
انجام کارها با هدف نزدیکی به خدا	۰/۰۹۲	۰/۰۶۰	۰/۰۲۵	عدم رابطه	تأیید

جدول (۳): رابطه شاخص‌های دینداری با موافقت با بلند خندیدن

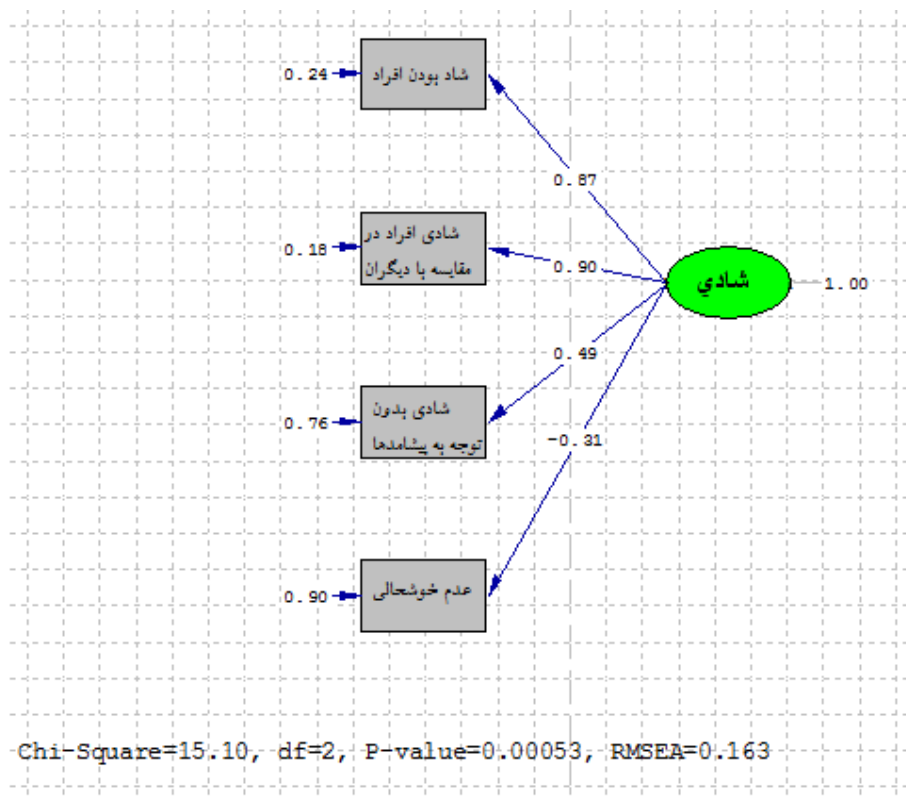
بلند خندیدن	ارزش هم‌بستگی گاما	خطای استاندارد	عدد معناداری	نوع رابطه	قابلیت تعمیم با ۹۵ درصد اعتماد
راستگویی	Gamma -۰/۰۰۱	۰/۰۶۱	۰/۹۹۰	عدم رابطه	تأیید
امانت‌داری	-۰/۲۳۲	۰/۰۵۸	۰/۰۰۰	عدم رابطه	تأیید
صله رحم	۰/۰۳۶	۰/۰۶۵	۰/۰۷۹	عدم رابطه	تأیید
رحیم بودن نسبت به ضعفا	۰/۰۸۳	۰/۰۶۲	۰/۰۸۰	عدم رابطه	تأیید
خوش اخلاقی	-۰/۰۹۵	۰/۰۵۹	۰/۰۱۰	عدم رابطه	تأیید
انجام کارها با هدف نزدیکی به خدا	۰/۰۲۹	۰/۰۶۲	۰/۰۳۵	عدم رابطه	تأیید

سؤال سوم تحقیق: آیا بین میزان دینی بودن و میزان شاد بودن افراد رابطه مثبتی وجود دارد؟

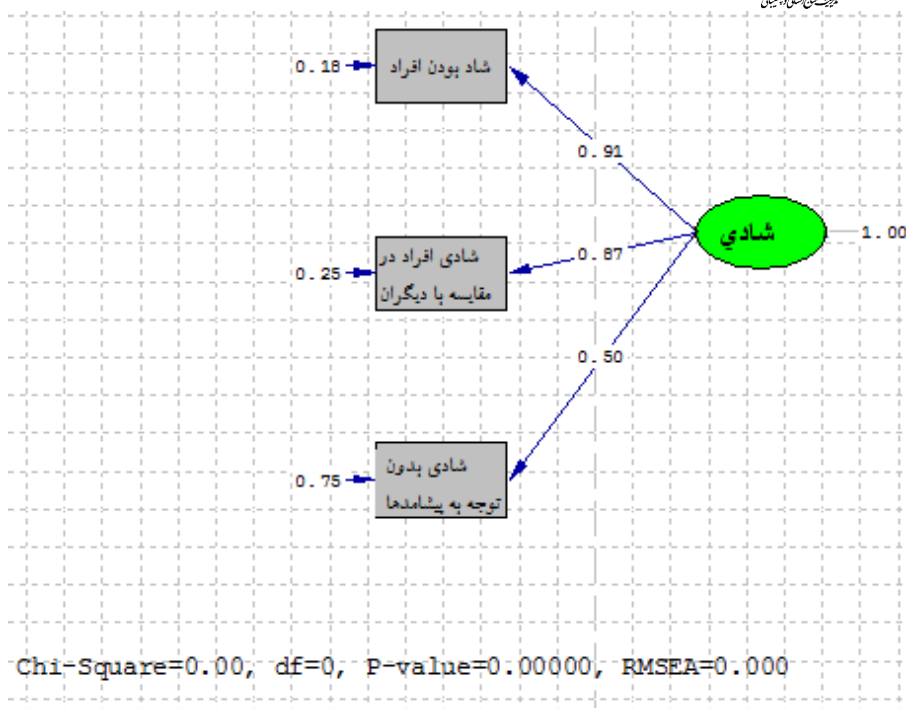
برای پاسخ به این سؤال ابتدا لازم است تا شاخص‌های شادمانی از طریق ادبیات علمی و شاخص‌های دینداری از ادبیات علمی کشف شود. نتیجه بررسی‌های صورت گرفته که در قسمت ادبیات تحقیق گزارش خلاصه آن صورت گرفت، نشان داد که می‌توان شادمانی را با یک مقیاس چهار شاخصه و دینداری را از نظر امام علی با یک مقیاس شش شاخصه سنجید. در گام بعدی جهت ایجاد روایی عاملی باید هر دوی این مفاهیم مورد تأیید عاملی قرار گیرند. نمودار ۱ تأیید عاملی شاخص دینداری را نشان



داده و نمودار ۲ نشان می‌دهد که نمی‌توان شادمانی را با شاخص‌های چهارگانه تأیید کرد. همان‌طور که در نمودار ۲ دیده می‌شود شاخص‌های برازش برای این مدل نشان از برازش مدل ندارد. برای این منظور نرم‌افزار لیزرل پیشنهاد داد تا شاخص چهارم از این مفهوم حذف شود. با انجام این کار نتیجه اندازه‌گیری شادمانی با سه شاخص اول در نمودار ۳ نمایش داده شده است. همان‌طور که دیده می‌شود مدل اندازه‌گیری شادمانی با این سه شاخص مورد تأیید عاملی قرار می‌گیرد.

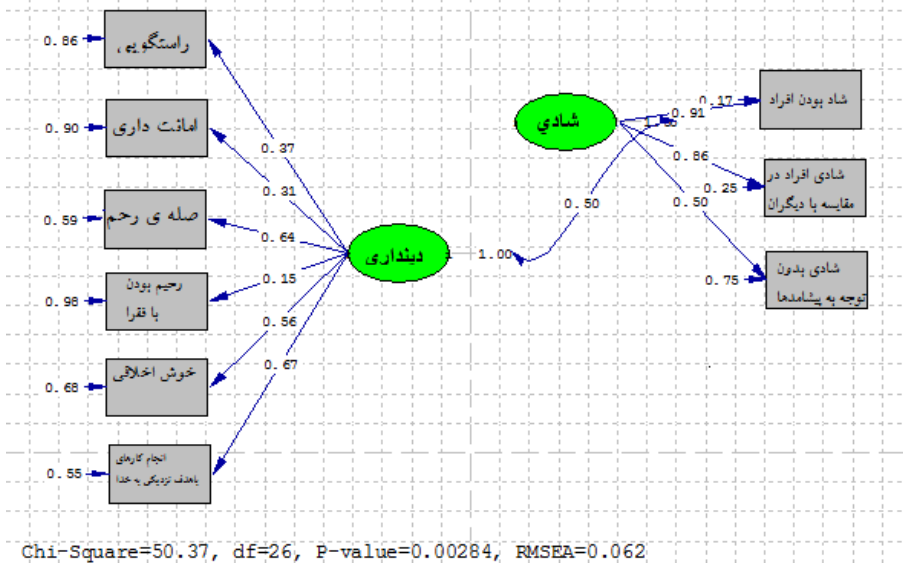


نمودار ۲- تحلیل عاملی تأییدی مفهوم شادی با چهار شاخص اخذ شده از ادبیات تحقیق



نمودار ۳- تحلیل عاملی تأییدی مفهوم شادی با حذف شاخص چهارم و با سه شاخص

در گام بعدی جهت پاسخ به سؤال سوم با استفاده از ایجاد مدل ساختاری رابطه بین متغیر شادی با سه شاخص و متغیر دینداری با شش شاخص مورد سنجش قرار گرفته است. نمودار ۴ مدل مربوطه را نمایش می‌دهد. این نمودار نشان می‌دهد که مدل ساخته شده دارای برازش و قابلیت تعمیم در سطح اعتماد ۹۵ درصد می‌باشد. همچنین این مدل نشان می‌دهد که ضریب هم‌بستگی دوگانه بین این دو مفهوم برابر ۰/۵ می‌باشد که مثبت بودن این عدد نسبتاً بزرگ نشان از تأیید رابطه مثبت بین دینداری (از نگاه حضرت علی(ع) و نه از نگاه مردم) دارد؛ یعنی هر چقدر افراد با شاخص‌های معرفی شده از سوی امام علی(ع) دیندارتر باشند، در زندگی خود شادمانی بیشتری در رفتارهای‌شان احساس می‌کنند و بنابراین فرض عمومی که گاهی دینداران را مغموم‌تر از دیگران می‌دانند مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.



نمودار ۴- مدل ساختاری رابطه بین متغیر شادی با سه شاخص و متغیر دینداری با شش شاخص

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق که در حوزه مسائل دینی و رفتاری صورت گرفته دارای نتایج زیر بوده است:

۱- تحقیق نشان داد که شادمانی در افراد را می توان با سه شاخص زیر مورد سنجش و اندازه گیری قرار داد:

- این که افراد چقدر خود را به طور کلی شاد محسوب می کنند؛
- این که افراد چقدر خود را در مقایسه با افرادی با جایگاه خود فردی شاد به حساب می آورند؛
- این که افراد چقدر خود را بدون توجه به شرایط و پیشامدهایی که برایشان پیش می آید، شاد به حساب می آورند.

۲- این تحقیق نشان داد که از منظر حضرت امام علی (ع) دینداری را می توان با شش شاخص زیر مورد سنجش و اندازه گیری قرار داد:

- راستگویی؛

- امانت‌داری؛
 - صله رحم؛
 - رحیم بودن نسبت به فقرا و ضعيفان؛
 - انجام کارها با هدف نزدیکی به خدا.
- ۳- هر دوی این مفاهیم با این شاخص‌ها علاوه بر تأیید روایی محتوا، از نظر عاملی و مدل‌های ریاضی نیز مورد تأیید قرار گرفتند.
- ۴- این تحقیق نشان داد که بین درجه دینداری افراد و میزان پایبندی آنها به محدودیت‌های دینی در زمینه شادمانی رابطه معناداری وجود ندارد؛ بنابراین افراد چه درجه بالایی از دینداری را داشته باشند، چه درجه پایینی از آن را شامل باشند، ممکن است این سه شاخص را رعایت کنند یا رعایت نکنند.
- ۵- در این تحقیق مشخص شد که رابطه مثبتی بین دینداری حقیقی و شادمانی وجود دارد. این رابطه نسبتاً قوی بوده و قابل تأیید و تعمیم در سطح اعتماد حتی بالای ۹۷ درصد می‌باشد.

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- با توجه به محدودیت‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود که در یک تحقیق، نگرش مردم برای این‌که افراد را دیندارتر یا برعکس حساب می‌کنند، مورد بررسی قرار گرفته و این شاخص‌ها با شاخص‌های حقیقی که حضرت امام علی ارائه نموده‌اند، مورد مقایسه قرار گیرد؛
- ۲- همچنین پیشنهاد می‌شود که اگر منابع مالی و عملیاتی اجازه می‌دهد این تحقیق در سطح تمامی مردم مورد استفاده قرار گیرد تا بتوان با قابلیت تعمیم بیشتری و در تمام اقشار جامعه نتایج را تسری داد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۸). من لا یحضر الفقیه، ترجمه صدر بلاغی و محمد جواد غفاری، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، جلد پنجم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۴۹). امالی، ترجمه آیت الله کمره‌ای، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- بیانی، علی‌اصغر؛ گودرزی، حسنیه؛ بیانی، علی؛ کوچکی، عاشورمحمد (۱۳۸۷). "بررسی رابطه جهت‌گیری دینی با اضطراب و افسردگی در دانشجویان"، مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال دهم، شماره ۳.
- جوکار، رحمان؛ رحیمی، مهدی (۱۳۸۶). "تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز"، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۴.
- دشتی، محمد (۱۳۸۵). نهج البلاغه، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، چاپ اول.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمدمعین، جعفر شهیدی؛ با نظارت مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- زارعی، حسن؛ احمدی، مریم؛ حق‌گویان، زلفا (۱۳۸۸). "نقش دانشگاه در ایجاد عوامل مؤثر بر شادی"، مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۲.
- سبحانی‌فرد، یاسر؛ اخوان خرازیان، مریم (۱۳۹۱). تحلیل عاملی، مدل‌سازی معادلات ساختاری و چندسطحی همراه با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS - SAS - HLM - LISREL، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- عباسی اول، کریم (۱۳۸۹). "نقش دین و باورهای دینی در سلامت روانی فرد و جامعه"، مجله پیوند، شماره ۳۷۶.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۵). "بررسی روابط ساده و چندگانه ابعاد جهت‌گیری دینی با سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه"، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۳.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، بی جا، ولیعصر، جلد سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، بی جا، ولیعصر، جلد چهارم.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- لقمانی، احمد (۱۳۸۶). نگاهی نو در آیینہ معارف به خنده، شوخی و شادمانی. قم: انتشارات بهشت بینش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، جلد سوم.
- Argyle, M.; M. Martin & L. Lu (1995). "Testing for Stress and Happiness: The Role of Social and Cognitive Factors", in C.D. Spilberger & I. Sarason (Eds.), Stress and Emotion, Washington, Taylor.
- Buss, D.M. (2000). "The Evolution of Happiness", American Psychologist, Vol.15.
- Demir, M. & M. Ozdemir (2010). "Friendship, Need Satisfaction and Happiness", J. Happiness Stud, 11.
- Dickey, M.T. (1999), "The Pursuit of Happiness", [Http://www.Dickey.org/happy.htm](http://www.Dickey.org/happy.htm).
- Diener, E. & Diener, M. (1995), "Cross-Cultural Correlates of Life Satisfaction and Self-Esteem", Journal of Personality and Social Psychology, 69.
- Ellison, C.G. (1991), "Religious Involvement and Subjective Well-Being", Journal of Health and Social Behaviors, vol 32.
- Gordon, E. W & Song, L. D(1994), Variations in the experience of resilience, In M. C. Wang, & E. W. Gordon (Eds.), Educational resilience in inner-city America: Challenges and prospe.
- Gorsuch, R. L(1988), "Psychology of religion", Annual Review of Psychology, No. 39.
- Hills, P., & Argyle, M.(2002), "The Oxford Happiness Questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well -being", Personality and Individual Differences, No. 33.
- Inglehart, R. & Baker,W.E(2000), "Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values", American Sociological Review, No, 65.
- King, V, Elder Jr, G. H, & Whitbeck, L. B,(1997), "Religious involvement among rural youth, An ecological and lifecourse perspective", Journal of Research on Adolescence, vol 7.
- Leslie Vu (2012), the effect of computer use on life satisfaction, hope and happiness for older adults, a thesis Presented to the Department of Family and Consumer Sciences California State University, Long Beach.



- Levin, J. S. & Taylor, R. J(1998), Panel analyses of religious involvement and well-being in African-Americans, Contemporaneous vs longitudinal effects.
- Lyubomirsky, S., & Lepper, H(1999), "A measure of subjective happiness: Preliminary reliability and construct validation", Social Indicators Research, vol .46.
- Matlin, M.W. & V.J. Gawron(1979), "Individual Differences in Pollyannaism", Journal of Personality Assessment, vol 43.
- Pollner, M(1989), "Divine Relation, Social Relations, Social Relations and-Being", Journal of Health and Social Behavior, vol 30.
- Seligman, M. E. P(2002), "Positive psychology, positive prevention, and positive therapy". In C.R. Snyder & S. J. Lopez, Handbook of positive psychology. New York: Oxford.
- Yang, Ke-Ping, Mao, Xiu-Ying(2007), "A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey", International Journal of Nursing Studies, vol 44.

